

عنوان مقاله : ناگفته‌هایی درباره متمم (قسمت دوم)

نویسنده : غلامرضا عمرانی

مأخذ : آموزش زبان و ادب فارسی، س چهاردهم، ش ۵۳ (زمستان ۷۸)

بسیاری از اسمها در زنجیره سخن به متمم نیاز دارند. بخشی از اسمهایی که متمم می‌گیرند آنهایی هستند که با ممیز می‌آیند، متمم در این حالت همیشه جمع است. حرف اضافه این گروه همیشه (از) است مثلاً:

«یکی دو تا از باغها»

میان اسم و متمم آن، گاهی فاصله بسیار است و گاه یکی از آن دو در جای مورد انتظار نیامده است.

بعضی دیگر از اسمها، بدون ممیز هم متمم می‌گیرند؛ این متمم نیز نشانه جمع دارد. این گروه نیز همیشه با حرف اضافه «از» می‌آیند. مانند «عده‌ای از»

در گروه دیگری از گروه‌های اسمی، یعنی اعداد کسری، وجود متمم اجباری اما وجود حرف اضافه، اختیاری است.

بیشترین حرف اضافه‌ای که در متمم‌های اسم مورد استفاده قرار می‌گیرد، حرف «از» و پس از آن به ترتیب حروف «به»، «با»، «در»، «بر» می‌باشد. حدود ۱۲ درصد بقیه اسمها نیز دو حرف اضافه دارند.

عنوان مقاله : بررسی روشهای سبک‌شناسی شعر فارسی

نویسنده : مصباح‌الدین نرزیقول

مأخذ : کیهان فرهنگی، س هفدهم، ش ۶۶ (مرداد ۱۳۷۹)، ص ۱۲ تا

۱۹

نویسنده در این مقاله نخست به تفصیل درباره تعریف و اهداف سبک‌شناسی و نقش افکار سبک‌شناسی اروپاییان در پیدایش علم سبک‌شناسی سخن گفته است. پس از آن انواع سبکها از دیدگاه‌های مختلف شامل سبکهای دوره‌ای و انواع آن به

لحاظ تاریخی، سبکها برحسب قوالب و موضوعات شعری، سبکهای بین‌بین و فردی معرفی کرده است.

در بخش بعدی مقاله درباره روشهای اساسی سبک‌شناسی شعر فارسی بحث شده است. از جمله به مکاتب اروپایی که در سبک‌شناسی شعر فارسی تاثیر گذار بوده، اشاره شده است:

۱) سبک‌شناسی توصیفی که روش مکتب سبک‌شناسی فرانسوی است. روش سبک‌شناسی توصیفی این است که عبارت و کلمه و جملات متحد‌المضمون را با هم می‌سنجند و نتیجه می‌گیرند. این روش، روش علم بیان را به خاطر می‌آورد. بررسی زبان ادبی، مورد نظر صاحبان این مکتب نیست و فقط با مسأله زبان به طور کلی توجه دارند. این روش مورد استقبال سبک‌شناسان شعر فارسی قرار گرفته است. از جمله غیائی بر آن است که «شایسته‌ترین وسیله گزارش سازمان شعر و کارکرد ساختارهای آن سبک‌شناسی زبان شناختی است.»

۲) از دیگر روشهای اروپایی، سبک‌شناسی تکوینی یا روش مکتب سبک‌شناسی آلمان است. در این روش توجه اصلی به تکوین اثر ادبی از دیدگاه سبک‌شناسی است. خصوصیت بارز این روش توجه به علل ایجاد سبک است.

۳) سبک‌شناسی نقشگرا یکی دیگر از روشهایی است که در سبک‌شناسی شعر فارسی تأثیر گذار بوده است. در این نوع سبک‌شناسی نقشهای زبان متن به مانند نقش توصیفی یا نقش بیان‌گرایانه و نقش اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

روش دیگر، سبک‌شناسی ساختگراست که برای اولین بار موکاروفسکی مطرح کرده است، در این روش در نظر گرفتن کل اجزای ادبی به طور جامع شرط ضروری است؛ چنانکه هیچ جزئی به خودی خود معنی دار نیست.

۴) در ادامه مقاله روش سبک‌شناسی ملک الشعراى بهار و پیروان او معرفی شده است. بهار در تألیف کتاب «سبک‌شناسی» کار خود را بر مبنای زبان‌شناسی تاریخی قرار داده است. او نخست زبانهای ایرانی و آثار باقیمانده از این زبانها را معرفی می‌کند و بیشتر به تطور و تحول لغات متون ادبی توجه دارد. وضع اجتماعی و سیاسی ادوار گوناگون تاریخی نیز همواره مورد نظر مؤلف است. بهار بیش از همه به

سبک خراسانی توجه دارد.

۵) روش بررسی مختصات سبک شعر مبتنی بر دوره از روشهای دیگر سبک‌شناسی شعر فارسی است. توجه خاص بهار به سبک خراسانی سبب شد که بیش از همه و قبل از همه دوره سبک خراسانی شعر فارسی مورد مطالعه و بررسی سبک‌شناسانه قرار گیرد. مهمترین کارهایی که در این مورد به سامان رسیده و می‌توان از طریق مبانی آنها به روش سبک‌شناسانه خاصی پی برد، کتابهای «سبک خراسانی در شعر فارسی» از محمد جعفر محجوب و «سبک شعر فارسی در سده دهم» (چهارم هجری) از محمد نوری عثمانوف و «شیوه‌های بیانی در شعر شاعران سبک خراسانی» (پایان نامه دکترا) از یحیی طالبیان است.

۶) تجزیه و تحلیل سبک‌شناسی متون به لحاظ زبان و فکر و ادبیات روش دیگری است که نتیجه آرای سیروس شمیسا است. این نوع سبک را می‌توان روش کامل سبک‌شناسی ادبی نامید. سیروس شمیسا در سه کتاب مهم خود برای اولین بار در تاریخ علم سبک‌شناسی فارسی کوشیده است هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ علمی این علم را تکمیل کند. او بر اساس تاریخ حکومت سلسله‌های پادشاهی شعر فارسی را به هشت دوره تقسیم کرده و مختصات سبکی هر دوره را با روش جدیدی، که به نظر او «یکی از ساده‌ترین و در عین حال عملی‌ترین راه‌ها» بوده و به وسیله آن می‌توان به اجزای متشکله متن اشراف پیدا کرد و ساختار متن را با توجه به رابطه اجزا با یکدیگر دریافت، بررسی کرده است.

موضوع دیگری که در مقاله بدان پرداخته شده، عناصر سبک‌شناسی متون ادبی است. از میان مختصات متعددی که در این یا آن متن ادبی به چشم می‌خورد، تعداد کمی ارزش سبکی دارند که به آنها «مختصات سبک ساز یا سبک آفرین» می‌گویند. این مختصات چه لفظی باشند و چه فکری و چه ادبی باید بسآمد بالایی داشته باشد. عناصر سبک‌شناسی عبارت است از: عناصر معنایی، زبانی (شکل) و روانشناختی که از جانب عبادیان بیان شده است؛ وزن شعر عامل دیگری که در شکل‌گیری سبک شعر دخالت دارد و از سوی مهرداد دبستانی کرمانی مطرح شده است؛ مقایسه واحدهای فکری و بررسی اشعار طرحی که در این دو روش را

عنوان مقاله : انعطاف پذیری برخی اوزان شعر فارسی

نویسنده : میر هاشم میری

مأخذ : آموزش زبان و ادب فارسی، س چهاردهم، ش ۵۳

(زمستان ۷۸)

قاعده بلند بودن هجای پایان مصراع، این اختیار را به شاعر می دهد که هر کجا لازم بدانند، در پایان مصراعها هجای کوتاه یا کشیده بیاورد. اما سه اختیار وزنی دیگر یعنی: آوردن «فاعلاتن» به جای «فعلاتن» در رکن نخست مصراع، آوردن یک هجای بلند (-) به قرینه دو هجای کوتاه (UU) در میانه مصراع و اختیار قلب: یعنی آوردن «- U» به قرینه «U-» و بالعکس، وزن اصلی را تغییر می دهد به طوری که وزن هیچ مصراع دقیقاً وزن مصراعی دیگر را ندارد.

یکی از وزنهایی که شرایط استفاده از اختیارات وزنی برای شاعر نسبتاً فراهم است، «مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن» است که عروضیان پیشین آن را «بحر منسرح مثنی مطوی مکشوف» می نامیدند زیرا به زعم ایشان «مفتعلن» مطوی «مستفعلن» در وزن اصلی آن یعنی «مستفعلن مفعولات مستفعلن مفعولات» است و «فاعلن» مکشوف «مفعولات». در این وزن رکن دوم و چهارم یعنی: فاعلن، ثابت است: زیرا در عروض امروز دیگر فاعلن و فاعلان و فاعلات را یکی می گیرند. اما در رکن اول و سوم یعنی: مفتعلن، دو اختیار امکان پیدا می کند: یکی «قلب» که مفتعلن را به مفتعلن را به مفاعلن تبدیل می کند و دیگری آوردن یک هجای بلند به قرینه دو هجای کوتاه که آن را به مفعولن تبدیل می سازد و جایگاه و چگونگی استفاده از هر اختیار، این وزن را منطقاً به سه صورت درمی آورد.